عدم مخالفت روایات عدد با کتاب

- امکان وجه ثبوتی روایات عدد برای تعیین شهر

امکان وجه ثبوتی روایات عدد برای تعیین شهر

صفحه نهم از مصباح مرحوم علامه بحر العلوم رضوان‌الله‌علیه بودیم. فرمودند:

> **احتجّ القائلون بعدم اعتبار الرؤية قبل الزوال بوجوه: الأوّل: الأصل، و المراد به الاستصحاب. الثاني: قوله تعالى: ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ، و قوله عزّ و جلّ: وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ** [1]

در دلیل دوم دو آیه آورده‌اند؛ «**قوله تعالى: ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ، و قوله عزّ و جلّ: و لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ**». ذیل «وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» بحث در اخبار عدد رفت. امام علیه‌السلام در آن روایت به «وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» استشهاد فرمودند. در آیه شریفه کامل عده به این است که ماه مبارک سی روز باشد؛ این اخبار عدد بود.

عبارات حدائق را خواندیم. ایشان این اخبار را بر تقیه حمل کرده بودند، و از مرحوم فیض عبارتی نسبتاً مفصل و خوبی آوردند. من خلاصه آن را عرض کردم. اما برای یاد آوری و خیلی مختصر عرض می‌کنم؛ بحث مفصلش خیلی محل ابتلاء نیست، از این حیث که خروجی بحث، نظری خلاف این‌ها باشد. و از حیث بحث‌های علمی هم شاید ما خیلی از مطالبش را ندانیم؛ لذا بحث مفصل از آن‌ها طولانی می‌شود و وقت گرفته می‌شود. آن اندازه‌ای که می‌دانیم و می‌توانیم بحث را خلاصه کنیم، عرض می‌کنم. اگر شما هم مطلبی اضافه دارید یا بحثی از قبل مانده تذکر بدهید.

حدائق جلد سیزدهم، صفحه دویست و هفتاد و سه تا پنج. عرض کردم چند روایت اصلی باب عدد، برای حذیفة بن منصور است. یا از معاذ نقل کرده و یا بلاواسطه نقل کرده؛ علماء هم از این ناحیه روایات او را تضعیف کرده‌اند. ولی چند روایت دیگر هست که همین مضمون اخبار عدد در آن‌ها هست، و حذیفه هم در سند آن‌ها نیست.

آن چه که من عرض کردم، این بود؛ مثل مرحوم شیخ و فیض و سائرین فرمودند این روایات مخالف با کتاب است. به‌خاطر مخالفت با کتاب، این روایات را رد کرده‌اند. این جور که به ذهن آمد و صحبت شد، عرض شد: اینکه روایات عدد مخالف قرآن کریم باشد، خیلی صاف نیست. یعنی خیلی صاف نیست که بگوییم مخالف کتاب است. عمده عرض من هم این بود: چرا مخالف نیست؟ به‌خاطر اینکه کسانی که فرمودند مخالف کتاب است، به آیه شریفه «يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ»[2] استشهاد کرده بودند. من عرض کردم «اهلة» در اینجا به‌معنای «شهور» است. بنابراین وقتی «اهلة» به‌معنای «شهور» است، محاسبه شهور و میقات بودن آن‌ها با اخبار عدد سازش دارد؛ با رؤیت سازش دارد؛ با چندین امر ثبوتی دیگر سازش دارد. شهور می‌تواند با همه این‌ها میقات باشد، ولی مبدأ تنظیم میقات، فقط رؤیت عند الغروب نباشد. یکی از آن‌ها عدد است. چرا؟

بعداً در روایات هم می‌آید؛ به این خاطر که ماه قمری بیست و نه روز و نیم است. کما اینکه سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز و ربع است. و بیش از ربع، و بیش از نصف در آن جا است. دم و دستگاهی دارد که چه بسا در روایات بعدی هم بیاید. این برای اصل این است که مخالفت مسلم نیست که بگوییم مخالف کتاب است.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۸

[2] البقره ۱۸۹